

# ماهیت ذکریان؛ فرقه ذکری و اعتقادات آن

مخبر علامه محمد ابراهیم داماد رحمة الله

حسین بن شاه مردان علی کرم الله وجهه<sup>(۱)</sup> در صورتی که اکثر تاریخ نویسان عقیده دارند که ملا محمد اتکی یا محمد مهدی موعود همان سید محمد جونپوری است، چون در کلیه منابع تاریخی که این سلسله نسب ذکر شده، سلسله نسب این دو نفر کاملاً یکی است و سر سوزنی با هم تفاوت ندارد.<sup>(۲)</sup>

سید محمد جونپوری یا مهدی موعود در میان پیروان و مریدان منطقه سند به نام «میران سائین» و بین ذکریان بلوچستان (پاکستان) به نام «نور پاک» معروف است.

نامبرده روز دوشنبه در ماه جمادی الاولی سال ۸۷۴ هـ. ق برابر با ۱۴۴۳ م در روستای دوآبه (جونپور) هند متولد شده است.<sup>(۳)</sup> اسم پدر سید محمد جونپوری سید عبدالله است که نسل دوازدهم از موسی کاظم می باشد و مادرش آمنه خاتون معروف به آغا ملک می باشد.<sup>(۴)</sup>

در جمادی الاولی سال ۸۸۷ هـ. ق وطن خویش جونپور را ترک نمود و به سیاحت و جهانگردی پرداخت. در سال ۹۰۰ هـ. ق به منطقه احمدنگر هند و در سال ۹۰۱ هـ. ق برای حج به مکه معظمه رفت و نه ماه در مکه سکنی گزید. و بین رکن و مقام ابراهیم در کنار کعبه اعلام ظهور کرد و گفت: «من ذاتی هستم که حق تعالی وعده ظهور او را داده، حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و انبیاء پیشین مژده آمدن او را ابلاغ کرده اند، و اضافه کرد که مهدی آخر الزمان من هستم.»<sup>(۵)</sup>

شیخ محمد اکرم - از تاریخ نگاران شبه قاره هند - در یکی از آثارش تحت عنوان «رود کوثر» رویداد سفر وی را چنین شرح داده است: «سال ۹۰۱ هـ. ق فریضه حج را ادا نمود و در مکه معظمه ادعای مهدویت کرد، پس از آن مجدداً به هند بازگشت. ابتدا به احمدآباد (گجرات) وارد شد، در سال ۹۰۵ هـ. ق به منطقه تته از ایالت سند پاکستان فعلی رسید، شش ماه در این منطقه اقامت اختیار کرد - هنوز هم در تته محل سکونت

فرقه «ذکری» که در زبان بلوچی آن را «ذگری» می نامند از جمله فرقه هایی است که مدعی مهدویت بوده اند. انتخاب این نام از یکی از عقاید این فرقه گرفته شده؛ مؤسس این فرقه فریضه نماز را منسوخ و ممنوع می داند و به جای آن «ذکر» را برترین عبادت خدا معرفی کرده است. وی ممنوعیت نماز را از جمله قرآنی «لا تقربوا الصلوة» و برتری ذکر را از جمله «و لذكر الله اکبر» استنباط کرده است.

برخی از نویسندگان و پژوهشگران جوان تصور کرده اند که این گروه معتقد به مهدی موعود است لذا آنرا فرقه ای از فرق اسلامی تصور و عنوان کرده اند، در صورتی که فردی را که این گروه مهدی می دانند نه فرزند حسن عسکری است که طبق عقیده شیعه متولد شده و در غیبت است و نه آن شخصیتی است که اهل سنت به عنوان یک مجدد و احیاگر دینی از حیات و ظهور او در قرب قیامت خبر می دهند. بلکه مهدی آنها پیامبری است صاحب شریعت که مبعوث شده و ناسخ کلیه احکام اسلامی بوده است و پس از انجام رسالت خویش وفات یافته است.

این گروه نامهای متعدد دیگری نیز دارد از قبیل «مهدوی»، «مصدق»، «داعی»، «طائی» و «دایره والی» (یعنی صاحبان خط دائره).<sup>(۶)</sup>

## مؤسس فرقه ذکری

طبق اظهارات پیروان این فرقه، مؤسس آن فردی است به نام سید محمد مهدی موعود که در نوشته های دست نویس این فرقه نسب نامه نامبرده به شرح زیر آمده است: «سید محمد مهدی موعود بن سید عبدالله بن سید خضر بن سید موسی بن سید قاسم بن سید نجم الدین بن سید عبدالله بن سید یوسف بن سید یحیی بن سید جلال الدین بن سید اسماعیل بن سید نعمت الله بن امام محمد باقر بن سید امام علی اصغر بن امام



### ادعای مهدویت و تبلیغ آن

سیدجونپوری نه تنها ادعای مهدویت داشت، بلکه آنرا با شدت و حدت با معرفی زوایای مقام و منزلت خویش تبلیغ می کرد. او جهت دعوت امر او سلاطین نامه های متعددی نوشته است که در اینجا ترجمه یکی از این نامه ها که مولانا مفتی رشیداحمد رحمه الله در جلد اول احسن الفتاوی نقل فرموده اند، درج می گردد:

**ای مردم! بدانید که من همان محمد بن عبدالله پیامبر خداصلی الله علیه وسلم هستم، حق تعالی مرا خاتم اوصیا و برای امت بزرگ پیامبرش خلیفه قرار داده است. من کسی هستم که به بعثت او در آخرالزمان وعده شده است. من کسی هستم که پیامبر خدا برای ظهورش مژده داده است. من کسی هستم که در صحف پیامبران پیشین معرفی، و توسط گروههای گذشته و آینده توصیف و تعریف شده ام و به او خلافت رحمانی عنایت شده است. من از جانب خدا بشریت را با بصیرت خودم راهنمایی و هدایت می کنم. من هنگام ابلاغ این رسالت و پیام نه در عالم سکر و نشئه هستم نه در حالت بی هوشی، نه برای نقض سکر نیازی دارم و نه جهت به هوش آمدن احتیاجی؛ از طرف حق تعالی به من روزی می رسد، من به جز از خدا به چیز دیگری نیاز ندارم، نه خواستار حکومتم و نه جویای سلطنت و امارت، ریاست و ملک را نجس می دانم، و رهانیدن از حب دنیا شغل من است. انگیزه دعوتم این است که از جانب خدا برای این کار مأموریت دارم، لذا وظیفه دارم تا با تأکید و تهدید دعوت و پیام خودم را به شما برسانم.**

«ای مردم! بدانید که من همان محمد بن عبدالله پیامبر خداصلی الله علیه وسلم هستم، حق تعالی مرا خاتم اوصیا و برای امت بزرگ پیامبرش خلیفه قرار داده است. من کسی هستم که به بعثت او در آخرالزمان وعده شده است. من کسی هستم که پیامبر خدا برای ظهورش مژده داده است. من کسی هستم که در صحف پیامبران پیشین معرفی، و توسط گروههای گذشته و آینده توصیف و تعریف شده ام و به او خلافت رحمانی عنایت شده است. من از جانب خدا بشریت را با بصیرت خودم راهنمایی و هدایت می کنم. من هنگام ابلاغ این رسالت و پیام نه در عالم سکر و نشئه هستم نه در حالت بی هوشی، نه برای نقض سکر نیازی دارم و نه جهت به هوش آمدن احتیاجی؛ از طرف حق تعالی به من روزی می رسد، من به جز از خدا به چیز دیگری نیاز ندارم، نه خواستار حکومتم و نه جویای سلطنت و امارت، ریاست و ملک را نجس می دانم، و رهانیدن از حب دنیا شغل من است. انگیزه دعوتم این است که از جانب خدا برای این کار مأموریت دارم، لذا وظیفه دارم تا با تأکید و تهدید دعوت و پیام خودم را به شما برسانم.

حق تعالی اطاعتم را بر مردم فریضه قرار داده است. من همه انس و جن را به سوی رسالتم دعوت می کنم. به این شرح که من خاتم ولایت محمدیه و خلیفه الله هستم، هر کس از من اطاعت کرد از خدا اطاعت کرده و هر کس از من رو بگرداند از حق تعالی روگردانده است.

ای مردم! به من ایمان بیاورید تا رستگار شوید، به حرف من گوش فرا دهید و در پیروی از من بشتابید تا موفق و پیروز گردید. هر کس که دعوت مرا نپذیرد

وی زیارتگاه ارادتمندانش است - از تته با پیمودن مسیر بلوچستان و با گذر از راههای سخت کوهستانی همراه با جمع کثیری به قندهار رسید و از آنجا به فراه رفت (فراه در آن زمان در قلمرو ایران بود که اکنون استانی در کشور افغانستان است) و در همین منطقه (فراه) به تاریخ ۱۹ ذوالقعدة سال ۹۱۰ هـ ق روز دوشنبه وفات یافت.<sup>(۶)</sup>

### تغییر نام والدین

بنابر مستندات تاریخی نه اسم اصلی پدر سید محمد جونپوری، عبدالله بود و نه اسم مادرش آمنه، اما چون می خواست در جامعه اهل سنت ادعای مهدویت بکند و در روایات اهل سنت نام پدر و مادر مهدی موعود همانم والدین حضرت رسول صلی الله علیه وسلم ذکر شده، و نام خود ایشان همانم آن حضرت ذکر شده است، لذا این شخص قبل از ادعای خویش موانع آن را برداشت و اسامی والدین خویش را به عبدالله و آمنه تغییر داد.

در این مورد باید به عبارتهای مورخان معاصرش توجه کرد. عموماً عبارت محققان در معرفی نامبرده چنین ذکر شده است: الجونپوری: سیدمحمد الکاظمی الحسینی بن سیدخان المعروف بده اویسی.

عبارت علامه عبدالحی بن فخرالدین الحسینی در کتاب معروف «نزهة الخواطر» چنین است: «الشیخ الکبیر محمد بن یوسف الحسینی الجونپوری المتمهدی المشهور بالهند، ولد سنة سبع و اربعین و ثمان مائة بمدينة جونپور.»<sup>(۷)</sup> و در ادامه آورده اند: «و بدل اسم ابیه بعبدالله و اسم امه بامنه و اشاعها فی الناس و صنف کتابا فی اصول ذلك المذهب.»<sup>(۸)</sup>

همچنین در کتاب فارسی منتخب التواریخ تألیف ملاعبدالقادر بدایونی نام پدرش یوسف ذکر شده است. خلاصه کلام اینکه اسم پدر این شخص در اصل یوسف، سیدخان، سیدمحمدیوسف خان و اسم مادرش آغاملک بوده است، اما هوس ادعای مهدویت او را وادار کرده که نام پدر و مادرش را تغییر بدهد.



و از دستورها هم سر بیچد، حق تعالی او را در عذاب سخت گرفتار خواهد کرد.

ای مردم! بترسید از عذاب روزی که در آن روز کوهها مانند ریگ روان خواهد شد. از این جهان در چنین وضعی سفر نکنید که به هلاکت خواهید رسید. بهترین پاداش آخرت را برگزینید، این پاداش عظیم آخرت را به بهای ناچیزی نفروشید، شما عاقل و آگاه هستید.

اگر تصور می کنید که من دروغگو هستم و بر خدا افترا می بندم، باید تحقیق کنید، وظیفه شما است که تلاش کنید. اگر به حرف من توجه نکنید، تکذیب شما به اثبات خواهد رسید. چون توانایی تحقیق برای رسیدن به حق و حقیقت را دارید. و اگر مرا به دروغ من و با بگذارید یقیناً مأخوذ و مسئول خواهید بود. من به خدا سوگند یاد می کنم و خدا برای گواهی کافی است که من برای امت محمدیه منجی از هلاکت و هادی از ضلالت می باشم. بر شما لازم است که فریب نخورید. گفتار، کردار و رفتار مرا با قرآن مطابقت بدهید، دقت بکنید اگر کردار و رفتار من با قرآن مطابقت داشت، حرف مرا بپذیرید و الا گردن مرا بزنید؛ همین راه نجات شما است.

از الله بترسید، با خشوع و خضوع به سوی او انابت و توجه بکنید چون او مهربان و پذیرای بندگان است، او بر بندگان ستم نمی کند. این پندی است برای کسی که آنرا با دلی متوجه و گوش شنوا بشنود.<sup>(۹)</sup>

### چگونگی انتشار این مذهب در بلوچستان

مولانا احتشام الحق آسیا آبادی از علما و محققان برجسته ایالت بلوچستان پاکستان، به نقل از کتابهای خطی ذکرها در تألیف خویش تحت عنوان «ذکرها را بشناسید» چگونگی رشد این مذهب را در بلوچستان چنین شرح می دهد:

«طبق روایات محلی پس از مرگ سید محمد جونپوری مریدان وی در اطراف و اکناف منتشر شدند. از جمله ملامحمد اتکی (اهل اتک که امروزه به کیمبل پور موسوم است و در ایالت پنجاب پاکستان واقع شده است) بود که در سفر دوره ایش

به منطقه سرباز (بلوچستان ایران) رسید. در آن زمان سرباز، دزک، کیچ، پنجگور و مناطق اطراف آن تحت فرمان حکومت طائفه بلیدئی بود. از قضا در همین ایام پیروان فرقه باطنیه (که شاخه ای از شیعه اسماعیلیه است) معتوب نظر شاه اسماعیل صفوی (شاه ایران) قرار گرفتند، به همین خاطر افرادی چند از این گروه ترک وطن نموده به منطقه سرباز آمدند. منطقه سرباز در آن زمان از سلطه شاه ایران خارج بود. اینان خود را سید می گفتند. ملامحمد اتکی پس از ورود به سرباز با رهبران دینی فرقه باطنیه مذاکراتی انجام داد؛ در اعتقادات هر دو فریق، عقیده ظهور مهدی، باطنی پرستی و فلسفه وحدة الوجود به صورت مشترک و با دیدگاههای نزدیک به هم وجود داشت. با تلاقی این دو فرقه، فرقه ثالثی به رهبری ملامحمد اتکی به وجود آمد.

طبق نوشته های ذکرین ظهور وی در سال ۹۷۷ هـ ق برابر با ۷۰-۱۵۶۹ میلادی بوده است. چنانکه مصنف ذکری «درازئی» می نویسد: «آنجناب در شب دوشنبه به وقت سفیدی بام سمت قطبی شهر به زمین به صورت انسانی و در لباس درویشی در منطقه کوهستانی اتک بر بلندترین کوه در سال ۹۷۷ هـ ق قدم فرما شده فرود آمدند.»<sup>(۱۰)</sup>

او مدعی بود که صاحب الهام و نائب الامام (مهدی آخرالزمان) است. و می گفت که مهدی آخرالزمان شریعت محمدی را منسوخ کرده است، فرضیت نماز، روزه و حج بیت الله نسخ شده است و اعتقاد داشتن به فرضیت آنها کفر است و جایگزین همه عبادات ذکر است. وی پس از ملاقات و مذاکره با سیدان فرقه باطنیه همین عقاید را انتشار و تبلیغ می کرد.

اتکی پس از سرباز به کیچ مکران و به شهر تربت رسید و از جهالت و نادانی اهالی این منطقه سوء استفاده کرد، در ابتدا ادعای مهدویت و در آخر نبوت خویش را تبلیغ می کرد. کتاب شعری به فارسی تألیف کرد که پر از افکار خرافی و عقاید باطله اش بود و آن را در تنه درختی بنام کهور (یا کهیر) جاسازی کرد، آنگاه در میان مردم اعلام کرد که دیشب حق تعالی به وسیله وحی به من اطلاع داده

☑ او مدعی بود که صاحب الهام و نائب الامام (مهدی آخرالزمان) است. و می گفت که مهدی آخرالزمان شریعت محمدی را منسوخ کرده است، فرضیت نماز، روزه و حج بیت الله نسخ شده است و اعتقاد داشتن به فرضیت آنها کفر است و جایگزین همه عبادات ذکر است.



است که در فلان محل در داخل تنه فلان درخت بر من کتابی نازل کرده است تا دستورات آن را بین شما تبلیغ کنم. در نتیجه، به همراه عده‌ای از مریدان و معتقدان خویش به محل مذکور رفت و از شکاف تنه درخت کتاب را بیرون آورد. با دیدن این واقعه، عشق و علاقه مردم از سادگی و جهالت به او اضافه شد و بدین طریق تربت مرکز این گروه قرار گرفت؛ به خصوص که در تربت فرد با نفوذ و معروفی به نام «مراد» به وی گروید که ملامحمد اتکی وی را به عنوان خلیفه خود منصوب کرد (به روایت بعضی او خودش پس از ملامحمد اتکی ادعای خلافت کرد) و وی تبلیغ و پیشبرد همان عقاید باطله را به عهده گرفت، کما اینکه «کوه مراد» به نام او منسوب است. هنگامی که پیامبر، خلیفه و دین و ... همه ساخته شد، برای تعیین مقامات متبرکه دیگر مانعی نماند، لذا «درخت کهور» به عنوان مهبط وحی، «گل دن» به جای میدان عرفات و «کاریز هُزی» که تا حال محتاج یک قطره آب است جایگزین «زمزم» مقرر گردید. فقط نعم البدل غار حرا مانده بود که برای آن «کوه امام» تعیین شد.

ملای مذکور اقامت خودش را برای مدتی طولانی در این منطقه صلاح ندید، لذا شبی در خانه محل سکونتش چادرش را به گونه‌ای دفن کرد که گوشه‌ای از آن ظاهر بماند و خودش آنجا را ترک کرد. صبح هنگام مریدانش با دیدن گوشه چادر و غیبت شیخ شایعه کردند که «نوری بود و به عالم بالا رفت» و گفتند: گوشه چادر دلیل آن است که آن جناب پس از غوطه‌ور شدن در زمین بر آسمانها عروج کرده و به دربار حق تعالی رفته است. تاریخ غیبت و اختفاء او طبق نوشته‌های ذکریان سال ۱۰۰۰ هـ. ق برابر با ۱۵۹۲ میلادی یا ۱۰۲۹ هـ. ق برابر با ۱۶۱۹ میلادی است.<sup>(۱۱)</sup>

**عقاید ذکریها**

لازم به یادآوری است که بر اثر خرافاتی و پوچ و زشت بودن عقایدشان، این گروه هنوز جرأت انتشار و چاپ کتابهای مذهبی خود را نداشته و اکثر کتابهای این فرقه به صورت دست‌نویس و غیر قابل

دسترسی است. حتی پیروان این فرقه فقط به فتاوا و آرای شفاهی آخوندهایشان بسنده می‌کنند و از توان مطالعه و حتی سواد خواندن و نوشتن محروم هستند. مفتی اعظم پاکستان حضرت مفتی رشیداحمد لدیانوی مدظله [رحمه‌الله] و جناب مولانا احتشام الحق آسیاآبادی (وفقه‌الله) با تلاش خستگی‌ناپذیر توانسته‌اند به برخی از کتابهای دست‌نویس این فرقه دسترسی پیدا کرده و برخی از عقایدشان را در تألیفات خود به ترتیب «احسن الفتاوی» جلد اول و «ذکریها را بشناسید» درج کرده‌اند؛ بنابراین در این قسمت عقاید این فرقه با استفاده از این دو کتاب ذکر می‌گردد:

۱- اول آنکه این فرقه کلمه طیبه را به این شکل اداء می‌کنند: لاله الا الله محمد مهدی رسول الله.<sup>(۱۲)</sup> البته در اذکار و تسیحات پنجگانه آنرا این گونه می‌خوانند: لاله الا الله الملك الحق المبين نور محمد مهدی رسول الله صادق الوعد الامين.

۲- منکر نماز هستند، و می‌گویند نمازی که شما در پنج وقت می‌خوانید ثبوتی ندارد زیرا خداوند تعالی حکم داده که به نماز نزدیک نشوید. به مقتضای آیه: «یا ایها الذین آمنوا لا تقربوا الصلوة» (ای مؤمنان به نماز نزدیک مشوید) نماز نسخ شده است و جای آن را ذکر گرفته است.<sup>(۱۳)</sup>

۳- منکر روزه رمضان هستند؛ در ماه صیام رمضان المبارک روزه نمی‌دارند و منکر فرضیت آن هستند و می‌گویند که خداوند تعالی گفته است بخورید و بنوشید.<sup>(۱۴)</sup>

در یکی از کتابهایشان به زبان اردو به نام «مین ذکری هون - من ذکری هستم» آمده است که آنها به جای ماه رمضان در دیگر ایام سال جمعاً سه ماه و هشت روز روزه می‌گیرند، به این ترتیب که از هر هفته روز دوشنبه، از هر ماه ایام بیض (سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه) و هشت روز اول ذوالحجه را که جمعاً سه ماه و هشت روز است روزه می‌گیرند.<sup>(۱۵)</sup>

۴- منکر حج بیت‌الله هستند، و کوه مراد را که ذکر آن گذشت قبله خود مقرر کرده‌اند و برای زیارت و طواف کوه مراد گرد هم می‌آیند.<sup>(۱۶)</sup>

**این فرقه**

کلمه طیبه را به این شکل اداء می‌کنند؛ لاله الا الله محمد مهدی رسول الله.

**منکر نماز هستند، و می‌گویند**

نمازی که شما در پنج وقت می‌خوانید

**ثبوتی ندارد زیرا خداوند**

تعالی حکم داده که به

**نماز نزدیک**

نشوید.



۵- محمد مهدی نبی آخرالزمان است و طبق اعتقاد مشهور نوری است و نمرده است، بلکه بالای عرش در جوار خداوند متعال به سر می برد. (۱۷)

۶- خاتم النبیین و خاتم المرسلین و سردار تمام انبیاء مهدی است. (۱۸)

۷- منکر و مکذّب محمد مهدی و نبوت او کافر است. (۱۹)

۸- خداوند متعال مهدی را از نور آفریده است، خدا عاشق مهدی و مهدی معشوق او است. (۲۰)

۹- مهدی که حضرت محمد علیه السلام بشارتش را داده بود، ظهور کرده و آمده است و تا قیامت هیچ مهدی ای نمی آید. (۲۱)

۱۰- در حقیقت قرآن به توسط حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بر محمد مهدی نازل شده است، لذا همان توضیح و تفسیری از قرآن صحیح و درست است که از محمد مهدی منقول باشد و بس.

این عقیده عموم ذکرین است، اما از بیانات ملا شی محمد قصرقندی و سفرنامه مهدی چنین بر می آید که قرآن کتاب مهدی نیست بلکه کتاب اصلی مهدی «برهان» یا «برهان التاویل» است که مخصوص امت مهدی است.

وی می نویسد: «فرقان در چهل جزء بوده است که ده جزء از آن را مهدی انتخاب کرده است که این ده جزء مخصوص اهل باطن است و سی جزء قرآن موجود برای اهل ظاهر متروک نموده است و در تربت مکران بر مهدی (ملا محمد اتکی) کتابی که نازل شد همین برهان بود.» (۲۲)

۱۱- شریعت حضرت محمد صلی الله علیه وسلم منسوخ شده است، محمد مهدی فرموده که اکنون شریعت وی رایج شده است.

۱۲- در قرآن مجید هر جایی که «محمد» ذکر شده است مراد از آن محمد مهدی است زیرا اسم حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم احمد است نه محمد، بلکه محمد اسم مهدی است. (۲۳)

۱۳- مراد در آیه: «ما کان محمد ابا احد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین»، محمد مهدی است. (۲۴)

۱۴- بر هر پیغمبری لازم بوده که بر محمد مهدی ایمان بیاورد. خداوند متعال به حضرت موسی فرمود

که اگر تو بر مهدی ایمان نیاوری تو را در آتش دوزخ می سوزانم. (۲۵)

۱۵- زکات از یک چهلیم به یک دهم تغییر یافته است. (۲۶)

۱۶- هنگام خواندن اذکار یا سجده رو به قبله کردن ضروری نیست زیرا کعبه الله هیچ مقام و حیثیتی ندارد چون در قرآن آمده است «فاینما تولوا فثم وجه الله». (۲۷)

۱۷- پس از نزدیکی و در حالت احتلام، غسل از جنابت ضروری نیست و فقط شستن شرمگاه لازم است.

ذکریها عقایدی غیر از این نیز دارند کما اینکه ملائی (آخوندهای آنان) بدون هیچ زحمت یا عبادتی بهشت را بین آنها تقسیم می کند. محارم با غیر محارم هیچگونه تفاوتی ندارند بویژه نسبت به رهبران مذهبی، که آنها را محرم همه می دانند. و برخی از رسوم به قدری زشت و ننگین اند که قلم از نوشتن آن احساس شرم دارد.

### نشیب و فرازهای فرقه ذکری

چنانکه قبلاً ذکر شد این مذهب در سال ۹۷۷ هـ. ق برابر با ۷۰-۱۵۶۹ میلادی، مقارن با دوران حکومت شاه اسماعیل صفوی در ایران و سلطان سلیم اول در ترکیه به وجود آمد.

اما بیشترین پیشرفت این مذهب در زمانی بود که یکی از حکام بومی بلوچ به نام ابوسعید بلیدئی، که در سال ۱۰۳۵ هـ. ق برابر با ۱۶۲۵ میلادی به صورت ملوک الطوائفی حاکم بلوچستان شده بود، به این مذهب گروید و در ترویج آن کوشید و مراسم زیارت سالیانه تربت یا به اصطلاح صبح در تربت را باشکوه راه انداخت. تا زمان قدرت و حکومت بلیدئی ها آنها مراسم خود را آزادانه و با شأن و شوکت انجام می دادند و مسلمانان نمازگزار و حتی خود نماز را با کمال پررویی و با الفاظ زشت و رکیک تحقیر و توهین می کردند.

و دوران زوال آنها زمانی فرا رسید که حضرت مولانا عبدالله سربازی پدر حضرت مولانا عبدالعزیز ملازاده رحمهما الله با پشتیبانی حکام باران زهی

بیشترین  
پیشرفت این  
مذهب در  
زمانی بود که  
یکی از حکام  
بومی بلوچ به  
نام ابوسعید  
بلیدئی، که  
در سال ۱۰۳۵  
هـ. ق برابر با  
۱۶۲۵ میلادی  
به صورت  
ملوک الطوائفی  
حاکم  
بلوچستان  
شده بود، به  
این مذهب  
گروید و در  
ترویج آن  
کوشید.



بلوچستان علیه این فرقه اعلام جهاد کرد و برای رهبران مذهبی آنها پیغام فرستاد که از سه شرط یکی را بپذیرند:

شرط اول: «اسلموا تسلماً» اسلام را بپذیرید تا سالم بمانید؛

شرط دوم: از خاک بلوچستان خارج شوید؛  
شرط سوم: در غیر اینصورت برای جنگ آماده شوید.

در ابتدا آنها شرط سوم را ترجیح داده و آماده جنگ شدند، اما با اولین حمله نیروهای حضرت مولانا عبدالله پا به فرار گذاشته و از مناطق کشکور، سرباز و لاشار (کاهی) کوچ و به سوی مرز بلوچستان شرقی که در آن زمان جزئی از شبه قاره هند و تحت سلطه انگلستان بود حرکت می کنند که در نزدیکی روستای جکیگور مورد محاصره قرار می گیرند و جنگ آغاز می شود. در آن جنگ پس از کشته شدن بسیاری از آنها افراد باقیمانده از تاریکی شب استفاده کرده و از مرز خارج می شوند. گورستان معروف بین روستای جکیگور و بافتان که به نام زیارت شهرت یافته در اصل مدفن کشته شدگان ذکری است که در اثر تبلیغات دروغین ذکریها بین مردم عوام به نام زیارت معروف شده است.

تعداد کمی از آنها که در مناطق دور دست کوهستانی آهوران و کوه ون به صورت پنهانی زندگی می کردند اخیراً در اثر تبلیغ و دعوت علما بویژه در اثر تلاشهای خستگی ناپذیر حضرت مولانا محمد عمر سربازی مدظله از عقاید خرافی خویش دست برداشته کاملاً به دامن اسلام بازگشتند. اما متأسفانه در این اواخر بنابر شنیده ها عده ای از آنها به عنوان کارگر کشاورزی از سند پاکستان به روستای گرمین بیت آورده شده اند که آمار دقیق این افراد و وضعیت اعتقادیشان کاملاً در دست نیست.

**خلاصه بحث**

با تحقیق در نوشته ها، گفته ها و روایات شفاهی خود ذکریان به این نتیجه می رسیم که آنها مؤسس

مذهب خود را پیامبری مستقل و برتر از همه پیامبران می دانند و عقیده دارند که او کلیه احکام و شرایع گذشته حتی اسلام را منسوخ کرده است. لذا فقط به خاطر اینکه آنها معتقد به مهدویت هستند، آنها را فرقه ای از مسلمانان شمردن فریب محض و تجاهلی آشکار است.

**پیروزی**

- ۱- احسن الفتاوی، جلد ۱، به نقل از مهدوی تحریک، ص: ۵.
- ۲- ذکریها را بشناسید، به نقل از دست نویس شی محمد قصرقندی، ص: ۱۱۹.
- ۳- مهدوی تحریک ص: ۳۶.
- ۴- احسن الفتاوی به نقل از مهدوی تحریک، ص: ۳۵.
- ۵- همان.
- ۶- همان، ص: ۴۶.
- ۷- نزهة الخواطر، ج: ۴، ص: ۳۲۲.
- ۸- همان، ج: ۴، ص: ۳۲۴.
- ۹- مهدوی تحریک از ص: ۴۷ تا ۴۹ به نقل از قول المحمود.
- ۱۰- به نقل از ذکری کیست؟، ص: ۱۳.
- ۱۱- ذکریها را بشناسید، ص: ۱۴ تا ص: ۱۷.
- ۱۲- عمدة الوسایل، ص: ۱۶.
- ۱۳- دستنویس ملا کمالان ( عمدة الوسایل ص ۲۰ از مولانا محمد موسی نویسنده کتاب مکران تاریخ کی آئینه مین، ص: ۱۰).
- ۱۴- عمدة الوسایل، ص: ۲۸.
- ۱۵- مین ذکری هون، ج: ۱، ص: ۷، ۳۷، ۳۸، ۳۹.
- ۱۶- عمدة الوسائل، ص: ۲۹، ۳۰.
- ۱۷- نسخه دست نویس شی محمد قصرقندی، ص: ۱۱۷ سفرنامه مهدی ص: ۳.
- ۱۸- ثنای مهدی، ص: ۱۲، از درفشان - ثنای مهدی، ص: ۷، از ملا ابراهیم - ثنای مهدی، ص: ۱۰، از ملا عزت.
- ۱۹- دست نویس قصرقندی، ص: ۱۰۸ و ۱۰۱.
- ۲۰- دست نویس قصرقندی، ص: ۱۱۵ و ۱۱۷ سفرنامه، ص: ۴.
- ۲۱- بیات شی محمد، ص: ۱۰۷.
- ۲۲- سفرنامه مهدی، ص: ۵؛ ثنای مهدی، ص: ۷.
- ۲۳- معراج نامه دست نویس ملا کمالان.
- ۲۴- معراج نامه.
- ۲۵- دست نویس شی محمد، ص: ۱۰۱-۹۹.
- ۲۶- مین ذکری هون، ص: ۷.
- ۲۷- دست نویس ملا کمالان.

دوران  
زوال آنها  
زمانی فرا  
رسید که  
حضرت مولانا  
عبدالله  
سربازی پدر  
حضرت مولانا  
عبدالعزیز  
ملازاده  
رحمهما الله با  
پشتیبانی  
حکام  
باران زهی  
بلوچستان  
علیه این  
فرقه اعلام  
جهاد کرد.